



زوزه : صدای بعضی از حیوانات

گسترده : وسیع ، بزرگ

فراهم : آماده

مواد سمی : موادی که به بدن ضرر می رسانند.

مژده : خبر خوب

کمین کردن : پنهان شدن در جایی برای حمله ی ناگهانی

گرگدن : جانوری خیلی بزرگ با پوست کلفت و با یک پا دو شاخ روی پوزه



کلمات هم معنی:

غرّش : صدای بلند و ترسناک

حاشیه : کناره ، گوشه

ویران : خراب

آغاز : شروع



کلمات مخالف:

سکوت : فریاد - همهمه

تند : آهسته

مشغول : بیکار

آینده : گذشته

معلوم : نا معلوم - نا مشخص

شاید : حتماً

ویران : آباد

حاشیه : مرکز - وسط

نسیم : توفان

فایده : ضرر

## اگر جنگل نباشد

جنگل پهن‌آور و زیباست. صدای آرام نسیم در همه جای جنگل، شنیده می‌شود. گاه نیز غرش و زوزه‌ی جانوران، سکوت جنگل را می‌شکند.

اگر روزی با هولوپسا از بالای جنگل بگذری، فرشی سبز، زیبا و گسترده می‌بینی که گاه صدها کیلومتر از زمین را پوشانده است. در این جنگل‌ها چه می‌گذرد؟ نمی‌دانیم. شاید پلنگی بر شاخه‌ی درختی، در کمین نشسته باشد. شاید میمون‌های بازی‌گوش، بر شاخه‌ها مشغول بازی باشند. شاید فیل‌ها و کرگدن‌ها مشغول آب‌تنی در رودخانه‌ای باشند که از جنگل می‌گذرد. شاید هم در حاشیه‌ی جنگل، خانواده‌هایی سرگرم تفریح و استراحت باشند.

اگر جنگل نبود، چه می‌شد؟ شاید بگویند علوم است؛ دیگر میز و صندلی، تخت خواب و کد، در و پنجره کاغذ، خانه‌های جنگلی قایق و کشتی و هزاران وسیله‌ی چوبی دیگر نبود؛ اما این‌ها بخشی از فایده‌های جنگل است. اگر جنگل نباشد، اکسیژن مورد نیاز انسان فراهم نمی‌شود و مواد سمی هوا از بین نمی‌رود.

